

دوفصل نامه علمی - ترویجی سیره پژوهی اهل بیت علیهم السلام  
سال ششم، شماره دهم، بهار و تابستان ۱۳۹۹  
صفحات ۹۱ - ۱۰۳

## دیدگاه کارل بروکلمان درباره سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در کتاب تاریخ ملل و دول اسلامی

علی اصغر رجیبی<sup>۱</sup>  
سمیه مومنه<sup>۲</sup>

### چکیده

زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مانند دیگر موضوعات تاریخ اسلام همواره مورد توجه مستشرقان بوده است. مستشرقان با انگیزه‌های استعماری، سیاسی و تبشیری و اغلب با پیش فرض‌های منفی و نادرست درباره اسلام، قرآن، حدیث و سیره به بررسی تاریخ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پرداخته‌اند. سؤال اصلی پژوهش این است که بروکلمان در کتاب *تاریخ ملل و دول اسلامی* با چه انگیزه و پیش فرض‌هایی به بررسی سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پرداخته است. بروکلمان آلمانی تبار در نیمه اول قرن بیستم کتاب *تاریخ ملل و دول اسلامی* را نوشته است. در این نوشتار با تحلیل محتوای این کتاب نشان داده شد که رویکردهای منفی و شبهه افکنی مستشرقان با گذشت زمان پیچیده و تلویحی شده است. بروکلمان با نگاه ضد ارزشی، جایگاه و اقدامات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را کوچک شمرده است. لذا شناخت دیدگاه مستشرقان برای مورخان مسلمان ضروری است تا با دقت بیشتری از این منابع استفاده کنند و در رفع چنین آسیب‌هایی اقدام کنند.

**کلیدواژه‌ها:** استشرق، *تاریخ ملل و دول اسلامی*، خاورشناسی، کارل بروکلمان.

۱. استادیار گروه معارف دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول). [aliasgharrajabi52@khu.ac.ir](mailto:aliasgharrajabi52@khu.ac.ir)

۲. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه اصفهان. [somayehmomeneh@yahoo.com](mailto:somayehmomeneh@yahoo.com)

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۴/۲۲ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۶/۲۵

## درآمد

آغاز مطالعات خاورشناسی از سوی غربیان روشن نیست. قدیم‌ترین این نوع مطالعات را می‌توان در یونان جستجو کرد و تاریخ هروودت را نوعی خاورشناسی دانست. با این همه برخی خاورشناسی را میراث کنجکاوی‌ها و پژوهش‌های مسیحیان پس از پایان جنگ‌های صلیبی برای شناخت فرهنگ اسلامی دانسته‌اند. بر این اساس خاورشناسی به صورت جدی در قرن شانزدهم در اروپا شکل گرفت و در قرن هفدهم با اختصاص کرسی‌هایی به آموزش زبان عربی در کشورهایی مانند فرانسه، انگلیس، آلمان، هلند و ایتالیا رواج یافت (حمدان، بی‌تا: ۴). مسلمانان همواره با تردید به پژوهش‌های اسلامی مستشرقان نگریسته‌اند. بیشتر نویسندگان مسلمان نسبت به آثار مستشرقان بدبین بودند؛ چرا که معتقد بودند بیشتر آثار مستشرقان با انگیزه‌های تبشیری، استعمار اقتصادی و سیاسی نوشته شده‌است. آشنایی مستشرقان با اسلام و تشیع به صورت رسمی به زمان جنگ‌های صلیبی باز می‌گردد. گزارش‌های تاریخی حاکی است که پیش از آن نیز ارتباطاتی بین بزرگان شیعه و مستشرقان وجود داشته‌است. از قرون وسطی به بعد، مستشرقان عمدتاً با اهداف سیاسی به شیعیان توجه می‌کردند.

*تاریخ ملل و دول اسلامی* نوشته کارل بروکلمان از مهمترین مطالعات غربی‌ها درباره اسلام است. این اثر بارها توسط نویسندگان مسلمان نقد و بررسی شده‌است. بروکلمان در بخش صدر اسلام و دوره بنی‌امیه از ولهاوزن و کایتانی و در بخش آسیای میانه از بارتولد و مینورسکی و در بخش دولت عثمانی از ویتک استفاده کرده‌است. این کتاب در سال ۱۹۴۳م کتاب تجدید چاپ شد. در آغاز جنگ جهانی دوم، این کتاب بدون اطلاع نویسنده به زبان انگلیسی ترجمه و در ۱۹۴۷م منتشر شد. *تاریخ ملل و دول اسلامی* به فرانسه و ترکی و هلندی نیز ترجمه شده‌است. این کتاب به وسیله منیر بعلبکی و نبیه فارس در ۱۹۴۹م در بیروت به عربی و در ۱۳۴۶ش در تهران به وسیله هادی جزایری به فارسی ترجمه شد. این پژوهش بر آن است دیدگاه بروکلمان را نسبت به اهل بیت علیهم‌السلام در کتاب *تاریخ ملل و دول اسلامی* بررسی کند.

## پیشینه پژوهش

از مهم‌ترین تحقیقاتی که به نقد آثار بروکلمان پرداخته‌اند می‌توان به کتاب *کارل بروکلمان فی‌المیزان* نوشته شوقی ابوخلیل (۱۳۹۳) اشاره کرد. شوقی ابوخلیل بر اساس آثار بروکلمان، افتراها، دروغ‌ها و اتهامات او به تاریخ عربی، وفات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، خلفای راشدین، عصر اموی، عصر عباسی و تاریخ حدیث را نقد و بررسی کرده‌است. یوهان

فوک<sup>۱</sup> (۱۹۵۸) نیز در مقاله «بروکلمان به عنوان یک خاورشناس» در مجله انجمن خاورشناسان آلمان به بررسی روش کار او پرداخته است. اوتواشپیس<sup>۲</sup> در ۱۹۳۸ م، به مناسبت هفتادمین سال تولد بروکلمان، فهرستی از ۵۵۵ اثر او را در مجله علمی دانشگاه مارتین لوتر (هاله - ویتنبرگ، مجموعه اقتصادی اجتماعی، دوره هفتم دفتر چهارم) منتشر کرد. هلموت ریتز<sup>۳</sup> نیز دو فهرست از آثار بروکلمان را در سال‌های ۱۸۹۰ و ۱۹۵۴ م منتشر کرد. این فهرست را یورگ کریمز<sup>۴</sup> به عربی برگرداند و صلاح الدین منجد آن را منتشر کرد (منجد، ۱۹۵۵: ۲۵ - ۴۱). بیشتر این پژوهش‌ها به معرفی و فهرست‌بندی تألیفات بروکلمان پرداخته‌اند و برخی نیز به بررسی شخصیت و روش کار او اشاره کرده‌اند. پژوهش حاضر بر آن است تا با بررسی محتوای کتاب *تاریخ ملل و دول اسلامی*، گرایش‌ها و جهت‌گیری‌های عقیدتی مؤلف را استخراج و بررسی کند.

### زندگینامه علمی بروکلمان

کارل بروکلمان<sup>۵</sup> در ۱۷ سپتامبر ۱۸۶۸ م در روستوک<sup>۶</sup>، از شهرهای آلمان، به دنیا آمد (بدوی، ۱۳۷۲: ۵۷-۶۶). در ۱۸۸۶ م وارد دانشگاه روستوک شد. نخست به فراگیری زبان و متون یونانی، لاتین، عربی و حبشی، علوم و زبان‌های شرقی و زبان‌های هندواروپایی پرداخت. در سال ۱۸۸۸ م در استراسبورگ<sup>۷</sup> فرانسه شاگرد تئودور نولدکه<sup>۸</sup> شد و نزد او زبان‌های سانسکریت، ارمنی و زبان قبطی (مصری قدیم) را آموخت. در ۱۸۹۰ م با راهنمایی نولدکه از رساله نخستین دکتری با عنوان *ارتباط میان الکامل فی التاریخ ابن اثیر و تاریخ الرسل والملوک محمد بن جریر طبری*، دفاع کرد و درجه دکتری گرفت. پس از آن بروکلمان در یکی از مدرسه‌های پروتستانی تدریس کرد و هم‌زمان مشغول تدوین فرهنگ سریانی شد و در فوریه ۱۸۹۵ م این فرهنگ را با نام *واژه نامه سریانی منتشر کرد* (عقیقی، ۱۹۸۰: ۴۲۴-۴۳۰). پس از آن به دعوت ادوارد زاخائو<sup>۹</sup>، در نشر تحقیقی و انتقادی کتاب *طبقات ابن سعد* شرکت کرد. بروکلمان در سال ۱۸۹۵ م برای گردآوری نسخه‌های خطی این کتاب به لندن و استانبول سفر کرد و با استفاده از این فرصت، به تصحیح متن *عیون الاخبار* ابن قتیبه پرداخت. او در سال

1. Johann Fook
2. Otto Spice
3. Helmut Ritter
4. Jürg Kreimer
5. Carl Brockelman
6. Rostock
7. Strasbourg
8. Theodore Noldeke
9. Edward Zakhao

۱۸۹۶ م به برسلاو<sup>۱</sup> بازگشت. جلد هشتم از طبقات ابن سعد به کوشش بروکلیمان در ۱۹۰۴ م به وسیله آکادمی برلین منتشر شد. اثر مشهور او با عنوان *تاریخ ادبیات عربی*، نخستین بار طی سال‌های ۱۸۹۷ تا ۱۹۰۲ م منتشر شد و به صورت نهایی و با افزودن ملحقات، طی سال‌های ۱۹۳۷-۱۹۴۲ م در پنج جلد انتشار یافت (مُنَجِّد، ۱۹۵۵: ۲۵-۴۱). *تاریخ ادبیات عربی* که در بردارنده منابع مکتوب به زبان عربی بود، با استقبال خاورشناسان و اسلام‌شناسان مواجه شد. در بهار ۱۹۰۰ م بروکلیمان به درخواست ادوارد زاخائو در مدرسه زبان‌های شرقی برلین زبان عربی تدریس کرد. در تابستان همان سال، برای تدریس به دانشگاه برسلاو رفت. بروکلیمان با همکاری در تاریخ ادبیات شرق، نگارش جزء هفتم از این مجموعه، با نام *تاریخ ادبیات مسیحی در شرق* را بر عهده گرفت. سپس، در ۱۹۰۳ م، در دانشگاه کونیگسبرگ<sup>۲</sup> تدریس کرد. او در آن جا بیشتر کتاب‌های خود از جمله *دستور تطبیقی زبان‌های سامی* (دو مجلد ۱۹۰۷-۱۹۱۳) را تألیف کرد. از ۱۹۰۹ تا ۱۹۲۲ م در دانشگاه هاله متصدی کرسی خاورشناسی شد. در همان جا جزء دوم کتاب *دستور تطبیقی زبان‌های سامی* را نوشت و ویرایش دوم فرهنگ *سریانی* را آماده کرد. جنگ جهانی اول کار او را کند کرد، زیرا بسیاری از متون سریانی که در خارج آلمان منتشر شده بود به آلمان نمی‌رسید. جزء اول این کتاب در ۱۹۱۸ م منتشر شد و نشر کامل آن در ۱۹۲۸ م صورت گرفت. بروکلیمان، به موازات توجه به زبان‌های سامی، به زبان ترکی نیز توجه داشت و در آغاز جنگ جهانی دوم *دیوان لغات‌الترک کاشغری* را در استانبول چاپ کرد. این کتاب مشتمل بر اطلاعات فراوانی از اقوام ترک در آسیای مرکزی بود و براساس همین کتاب، *کنزاللغه ترکی میانه* را تألیف کرد. بروکلیمان در تابستان ۱۹۳۲ م رئیس دانشگاه برسلاو شد. در دوره ریاست او دانشجویان بر ضد کوهن یهودی، تظاهرات کردند؛ بروکلیمان برای دفاع از آزادی دانشگاه در انتخاب استادان به هر مذهبی که باشند، در ۱۹۳۳ م استعفا داد. با این وضع او کرسی استادی خود را در دانشگاه تا زمان بازنشستگی در پاییز ۱۹۳۵ م، حفظ کرد. او در بهار ۱۹۳۷ م به شهر هاله رفت تا از کتابخانه خاورشناسی آلمانی آنجا استفاده کند و به تصحیح و تکمیل کار اصلی خود یعنی تاریخ تألیفات عربی، بپردازد. سپس بروکلیمان به برسلاو رفت و در آنجا در ۱۸۹۳ م، رساله دکتری دوم خود درباره تلقیح مفهوم *اهل‌الانبارفی مختصرالسیروالخبار*، اثر عبدالرحمان ابوالفرج ابن جوزی را دفاع کرد تا مجوز شایستگی او برای تدریس در دانشگاه باشد. بروکلیمان در سال‌های ۱۸۹۵ تا ۱۹۱۴ م، در راستای گردآوری اطلاعات درباره تاریخ اسلام، یک فصل

1. Breslau  
2. Koenigsberg

درباره تاریخ اسلام نوشت. پس از آن بروکلیمان در طی ۲۵ سال، این مطلب را گسترش داد و مطالبی درباره اوضاع دولت‌های جدید اسلامی بعد از جنگ جهانی اول تا ۱۹۳۹م بر آن افزود و همه این اطلاعات را با نام *تاریخ ملل و دول اسلامی* در ۱۹۳۹م منتشر کرد. در این کتاب تاریخ همه کشورها و دولت‌های اسلامی از ظهور اسلام تا سال ۱۹۳۹م (آغاز جنگ جهانی دوم) مورد بررسی قرار گرفته است. این کتاب در پنج بخش است. بخش اول به شرح ظهور اسلام و رسالت حضرت محمد ﷺ و شرح خلفای راشدین و بنی‌امیه اختصاص دارد. بخش دوم به شرح امپراتوری جهانی اسلام و انحطاط آن پرداخته است. این بخش از خلفای عباسی آغاز می‌شود و سلسله‌های مذهبی مانند قرامطه و فاطمیان و نیز دوره سامانیان، غزنویان و سلجوقیان و نیز وضع اسلام در اسپانیا و سرانجام حکومت مغولان و پایان خلافت خوارزمشاهیان را مورد بحث قرار داده است. بخش سوم کتاب در شرح امپراتوری عثمانی است که منتهی به ظهور صفویه رقیب سرسخت عثمانی‌ها می‌شود. بخش چهارم وضع کشورهای اسلامی در قرن نوزدهم و امپراتوری عثمانی و مصر و تسلط دول غربی بر این کشورها و نیز تاریخ کشورهای الجزایر، مراکش، سودان و جز آن توضیح داده شده است. در بخش پنجم تجدید سازمان ملل اسلامی پس از جنگ جهانی اول مورد بحث قرار گرفته است و از سیاست داخلی و خارجی و نفوذ تمدن اروپا و سلطه خارجیان در این کشورها سخن رفته است. در خاتمه کتاب شرحی درباره افغانستان و ایران و نیز سلسله قاجاریه و خاندان پهلوی آمده است. بخش پایانی کتاب شامل حوادث بین سال‌های ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۸م به قلم پرلمان است و در آن از کشورهای ترکیه، مصر، عربستان، عراق، سوریه، لبنان، فلسطین، ایران و یمن بحث شده است. بروکلیمان در تابستان ۱۹۵۳م برای بار دوم بازنشسته شد، ولی درس و بحث را رها نکرد. سرانجام در ۶ مه ۱۹۵۶م درگذشت (محقق، ۱۳۹۳: ۱/۱۰۸۶).

## نقد و بررسی دیدگاه‌های بروکلیمان

### ۱. تنزل در جایگاه

بروکلیمان، مانند بسیاری از مستشرقان دیگر، در گفتار خود از حقیقت جایگاه اهل بیت ﷺ دور شده و نکات برجسته تاریخی درباره منزلت ایشان را حذف یا تحریف می‌کند. برای نمونه او پیامبر ﷺ را پیغمبر عرب می‌نامد (بروکلیمان، ۱۳۴۶: ۲۰). شواهد متعددی در آیات و روایات وجود دارد که حاکی است شخصیت و رسالت پیامبر ﷺ فقط مختص اعراب نیست. ابن بابویه از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که نام پیامبر ﷺ در قرآن محمد است؛ پرسیدند تأویل

آن چیست؟ حضرت فرمودند: تأویل محمد آن است که خدا و فرشتگان و جمیع پیغمبران و رسولان و همه امت‌ها، ایشان را ستایش می‌کنند و نامش بر عرش نوشته است: «محمد رسول الله» (شیخ صدوق، ۱۴۱۷: ۱۲۹؛ همو، ۱۴۱۳: ۴/ ۱۷۸). در آیه ۱۰۷ از سوره انبیاء خداوند پیامبر ﷺ را رحمت جهانیان معرفی کرده است.

در جای دیگری بروکلیمان بنی هاشم قبیلۀ پیامبر ﷺ را فقیر و عاری از جایگاه در جامعه مکه معرفی می‌کند (بروکلیمان، ۱۳۴۶: ۲۱). حال آن که بنی هاشم، از تیره‌های مشهور قبیلۀ قریش پیش و پس از اسلام در مکه بودند. این قبیلۀ به هاشم (عمرو) بن عبدمناف بن قصی بن کلاب منسوب است. از میان منصب‌هایی که طوایف قریش پس از ظهور قصی بن کلاب برای خویش برگزیدند، دو منصب سقایت و رفادت به معنای آبرسانی و مهمانداری حاجیان به هاشم (ازرقی، ۱۴۱۵: ۱/ ۱۱۱) و فرزندانش رسید. این دو منصب مورد مناقشه بنی‌امیه و بنی‌هاشم بود. بنی‌هاشم دست‌کم پس از فراگیر شدن دین اسلام به سبب آن که پیامبر ﷺ از آنها بود، از جایگاه والایی میان مسلمانان برخوردار بوده‌اند. بر پایه روایتی منسوب به پیامبر ﷺ طایفه بنی‌هاشم به سبب رسالت او برگزیده قریش بودند (ابن قنفذ، ۱۴۰۴: ۳۵). درباره فضیلت بنی‌هاشم (طبری، ۱۳۵۶: ۱۴)، استحباب عیادت بیماران خاندان هاشم و مقام آنها در بهشت روایت شده است (همان، ۱۵). با تنزل جایگاه حضرت، یکی از عوامل دشمنی کفار مکه با پیامبر را خانواده کم‌شان و کوچک ایشان معرفی می‌کند (بروکلیمان، ۱۳۴۶: ۲۵). بروکلیمان حتی پیامبر ﷺ را به لحاظ فردی شخصیتی ضعیف معرفی می‌کند که اشعار مدح و ستایش شاعران در او به شدت تأثیر دارد (بروکلیمان، ۱۳۴۶: ۴۷). بروکلیمان در جای دیگر برای تنزل جایگاه رسالت، از جبرئیل با عنوان شبخ یاد می‌کند (بروکلیمان، ۱۳۴۶: ۲۳). این مسئله می‌تواند ردیه‌ای بر جایگاه وحی در زندگی پیامبر ﷺ باشد.

## ۲. تحریف در تاریخ

در کتاب تاریخ ملل و دول اسلامی، نقل شده که عبدالله پدر پیامبر ۲ ماه پس از تولد ایشان از دنیا رفته است (بروکلیمان، ۱۳۴۶: ۲۱) حال آن که وفات عبدالله بنا بر نظریه مشهور، پیش از تولد رسول خدا بوده است (ذهبی، ۱۴۲۷: ۱/ ۱۶۵). بروکلیمان حتی به پیامبر ﷺ نسبت بت‌پرستی می‌دهد: «روایات چنان نشان می‌دهد که محمد در سفرهای خود با برخی از یهودیان و نصارا روابطی پیدا کرد... به تدریج خدای یگانه (الله) جای خدایان دیگر را در قلب او گرفت لیکن چنان که ظاهر است او در سال‌های نخستین پیامبری اش سه تا از بت‌هایی را

که در کعبه قرار داشتند و هم وطنانش آنها را دختران خدا می‌نامیدند، پذیرفته بوده است که در یکی از آیات... غرائیق نامیده شده‌اند». وی در شرح جنگ جمل، می‌گوید که امام علی علیه السلام در همان آغاز جنگ جمل، مدینه را به سمت کوفه ترک کردند و مقر خلافت را به کوفه منتقل ساختند (بروکلمان، ۱۳۴۶: ۹۶). اما در منابع آمده است که امام علیه السلام در روز ۱۲ یا ۱۶ رجب سال ۳۶ هجری پس از اتمام جنگ جمل و نصب عبدالله بن عباس به عنوان حاکم بصره، عازم کوفه شد. ورود آن حضرت به کوفه در روز دوشنبه دوازدهم ماه رجب یاد شده است (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۴۰۱ و ۴۰۲؛ ابن اعثم کوفی، ۱۴۱۱: ۲ / ۳۷۴؛ دینوری، ۱۳۹۵: ۱۵۲؛ بلاذری، ۱۳۹۷: ۲ / ۲۷۳). گفتنی است نامه امام برای خبر فتح به قرظله بن کعب حاکم کوفه در رجب همین سال نوشته شده است (نک. شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۴۰۴). در گزارش ماجرای حکمیت، می‌نویسد امام علی علیه السلام از عهد و التزام خود به حکمیت عدول کرد و یاران معاویه این کار را نادرست دانسته و پس از آن معاویه را به خلافت برگزیدند (بروکلمان، ۱۳۴۶: ۹۹). اما علت تاریخی انتخاب معاویه و خلع امام علی علیه السلام در منابع، فریب خوردن ابوموسی اشعری و اعلام زود هنگام نتیجه حکمیت و خلع هر دو توسط وی ذکر شده است (دینوری، ۱۳۹۵: ۲۰۰-۲۰۱).

### ۳. حذف و اضافه گزارشهای تاریخی

بروکلمان در گزارش حوادث پیش از بعثت به نصب حجرالاسود اشاره‌ای نمی‌کند. از اولین ایمان آوردندگان فقط به حضرت خدیجه علیها السلام اشاره می‌کند و نامی از امام علی علیه السلام نمی‌برد. در انتهای این بحث، نام امام را پس از همسر و دختران پیامبر ذکر می‌کند (بروکلمان، ۱۳۴۶: ۲۳، ۲۴). به گواهی تاریخ و صراحت گزارش‌های شیعه و سنی، امام علی علیه السلام اولین ایمان آورنده به خدا بعد از حضرت خدیجه هستند (علامه امینی، ۱۳۹۱: ۳ / ۲۳۷؛ ابن هشام، ۱۳۷۵: ۱ / ۲۶۲؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲: ۲ / ۴۵۷). گذشته از این، به گفته محدثان، امام علی علیه السلام فردای روز بعثت، با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نماز خواند (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۲ / ۵۷). در جایی دیگر، به کینه عایشه نسبت به امام علی علیه السلام اشاره کرده آن را اینگونه گزارش می‌کند که ایشان پس از افتراقی که مردم به عایشه بستند، به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پیشنهاد دادند تا وی را طلاق دهد (بروکلمان، ۱۳۴۶: ۳۹). این امر در منابع تاریخی نیامده است. در ماجرای محاصره اقتصادی در شعب ابی طالب، به پیش‌بینی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درباره از بین رفتن پیمان توسط موریانه اشاره‌ای نکرده و می‌نویسد: اهالی مکه مجبور شدند تا دست از این محاصره بردارند (همان، ۲۷). به روایت مستندات تاریخی، مشرکان در دارالندوه جلسه‌ای تشکیل دادند و عهدنامه‌ای به خط منصور بن عکرمه و

امضای هیئت عالی قریش نوشتند و در داخل کعبه آویزان کردند و سوگند یاد کردند که ملت قریش، تا دم مرگ طبق موازین آن عمل کند. متن پیمان با مفاد آن به امضای تمامی افراد با نفوذ قریش جز مطعم بن عدی (طبرسی، ۱۴۱۷: ۷۲) رسید و با شدت هر چه تمام تر اجرا شد (ابن کثیر، ۱۴۰۷: ۳ / ۸۴-۸۶؛ ابن سعد، ۱۴۱۰: ۱ / ۱۶۳؛ ذهبی، ۱۴۰۹: ۲ / ۷۱۰). در جای دیگری بروکلیمان می نویسد پیامبر به بیماری مالاریا مبتلا شدند (بروکلیمان، ۱۳۴۶: ۵۰)؛ در حالی که منابع تاریخی، اشاره ای به بیماری مالاریا نکرده اند. در مورد جانشینی پس از پیامبر ﷺ، به آخرین سفر پیامبر ﷺ در سال حجه الوداع اشاره می کند اما از سخنرانی پیامبر برای جانشینی و توصیه به برگزیده بودن امام علی علیه السلام هیچ مطلبی نقل نمی کند (همان، ۵۱).

#### ۴. شبهه در عقاید

بروکلیمان عبارات متعددی در تأیید پیروی پیامبر ﷺ از ادیان الهی و ملل دیگر نقل می کند. او دین اسلام و تعالیم پیامبر ﷺ را مستقل از ادیان الهی دیگر ندانسته و در پی اثبات عنصر تقلید در شخصیت پیامبر ﷺ است. برای نمونه بروکلیمان سخنان پیامبر درباره روز حساب را برگرفته از ایرانیان و مسیحیان آرامی می داند (بروکلیمان، ۱۳۴۶: ۲۴). او می نویسد پیامبر ﷺ به تقلید از مسیحیان، دوستدار خواندن نماز شب و ادعیه بود و حتی برخی از قواعد و رسوم یهودیان مدینه را به امید اسلام آوردن آنان در دین وارد کرد (همان، ۲۵). وی تعالیم یهود و مسیحیت دخیل در تعلیم پیامبر ﷺ می داند که با مهارتی تام با نیازمندی های عصر او وفق داده شده است (همان، ۵۳). به طور مفصل، درباره اصول دین صحبت می کند اما اشاره ای به اصل پنجم یعنی امامت ندارد. در باب توحید، پیامبر را محکوم می کند که برخی از رب النوع های اهالی مکه را به عنوان شفیع در برابر الله قبول کرده است. او هیچ گونه رابطه ذاتی میان اصول عقاید و تکالیف مذهبی در قرآن قائل نیست (همان، ۵۵-۵۸).

#### ۵. ترسیم خشونت

مستشرقان معمولاً اسلام را دین خشونت می دانند و معتقدند اسلام در درون خود تنفر، نژادپرستی و بسیاری ارزش های خلاف حقوق بشری را دارا است. بروکلیمان نیز دین اسلام را دینی همراه با مقررات سخت معرفی می کند که سنن و عادات قدیم را پایمال می کند (بروکلیمان، ۱۳۴۶: ۴۷). او بارها به خشونت پیامبر ﷺ در برخورد با کفار مکه اشاره می کند و می نویسد: به دستور پیامبر ﷺ به کاروان های مکه شبیخون زده می شد. پس از پیروزی در جنگ بدر، پیامبر ﷺ اقدامات شدیدی علیه مخالفان خود اعمال کرد و تمام افراد قبیله

بنی قینقاع را به مرگ محکوم کرد (همان، ۳۶-۳۷). پیامبر ﷺ را آغازگر جنگ معرفی می‌کند مثلاً در جنگ خندق، از حمله آغازین پیامبر به یهودیان بنی قریظه نام می‌برد (همان، ۳۹). به نوشته او، پیامبر ﷺ دو تن از کفار همراه خود را در راه مدینه به قتل رساند و پس از آن مشغول راهزنی از کاروان‌های مکه شد (همان، ۲۵). در جای دیگری می‌نویسد پیامبر ﷺ در فتح مکه چند نفر از جمله دو زن خواننده که علیه پیامبر ﷺ هجویات سروده بودند را کشت (همان، ۴۴). با این همه با استناد به آیاتی از قرآن مشخص می‌شود ترسیم خشونت در اسلام نادرست است. به طور مثال، آیه ۱۹۰ سوره بقره اولین آیه قتال و جهاد است که در مدینه نازل شده است. خداوند در این آیه به پیامبر ﷺ دستور می‌دهد با افرادی بجنگد که با مسلمانان سر جنگ دارند: «و در راه خدا، با کسانی که با شما می‌جنگند نبرد کنید و از حد تجاوز نکنید که خدا تجاوزگران را دوست نمی‌دارد...»؛ با دقت در این آیه روشن می‌شود که اسلام نه دین خشونت بلکه رحمت است زیرا هدف اصلی جنگ‌های اسلامی، جنگ در راه خدا است. آیه ۲۹ سوره توبه نیز به روشنی معلوم می‌سازد که اسلام بر صلح جوئی بیشتر از جنگ اهمیت می‌دهد: «با کسانی که نه به خدا و نه به قیامت ایمان دارند و نه آنچه را خدا و رسولش تحریم کرده حرام می‌شمردند و نه آئین حق را می‌پذیرند پیکار کنید تا با خضوع و تسلیم جزیه بپردازند».

#### ۶. جانشینی پیامبر ﷺ

برخی از مستشرقان از جمله بروکلیمان معتقدند که مذهب تشیع بعد از شهادت امام حسین علیه السلام در واقعه کربلا آغاز شده است. به نظر می‌رسد صاحبان این تفکر- که نشأت گرفته از اهل سنت است- بین پیدایی و تکامل تفکر شیعی و اتفاقات سیاسی از جمله قیام توابعین در انسجام شیعه خلط کرده و ظهور برخی از فرقه‌های شیعه نظیر کیسانیه را به حساب کل جریان تشیع گذاشته‌اند و پیدایش تشیع را مرتبط با ایرانی‌ها دانسته‌اند. اما حقیقت این است که به گواهی تاریخ، شیعه بعد از واقعه غدیر خم شکل گرفته است. منابع شیعه و سنی وقوع غدیر خم را تأیید کرده‌اند. لذا بروکلیمان، در مورد امر جانشینی پیامبر ﷺ، اشاره‌ای به توصیه پیامبر در انتخاب امام علی علیه السلام ندارد. این در حالی است که به بیان بسیاری از جزئیات این واقعه پرداخته است، تا آن جا که حدیث معروف به قرطاس را هم از قلم نیانداخته است (بروکلیمان، ۱۳۴۶: ۵۱).

#### ۷. تحلیل نادرست

بروکلیمان در گزارش بسیاری از حوادث دوره پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام، گاهی تحلیل‌های

غیر منطقی و نادرست ارائه می‌کند. برای نمونه او هدف عالی پیامبر ﷺ را سلطه بر تمامی عربستان می‌داند (بروکلمان، ۱۳۴۶: ۵۲). هدف از تحریم شراب توسط قرآن را نه امری مسلم بلکه صرفاً جهت احتراز از افراط در مصرف آن ذکر می‌کند (همان، ۳۸). عامل هجرت پیامبر و مساعدکننده شرایط سفر به یثرب را نفاق و برادرکشی یثربیان بیان می‌کند (همان، ۳۰). در خلال جنگ صفین، نقل می‌کند که معاویه قاتلان عثمان را می‌خواست تا قصاص کند اما امام علی علیه السلام حاضر به تسلیم و تحویل آنان نشد. در گزارش این واقعه به نوعی امام علی علیه السلام و اصحاب ایشان را به قتل عثمان متهم می‌کند (همان، ۹۸). در ماجرای صلح امام حسن علیه السلام، به تقلید از منابع اهل سنت می‌نویسد حسن تمایلی به جنگ نداشت بدین خاطر با معاویه صلح کرد (همان، ۱۰۱). این در حالی است که امام حسن علیه السلام برای حفظ جان خود و شیعیان (شیخ صدوق، ۱۳۸۵: ۱/ ۲۱۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۵/ ۲۸۷)، سستی و عدم حمایت مردم (شیخ مفید، الارشاد، ۱۰/ ۲)، جلوگیری از خونریزی (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۳/ ۴۰۹)، حفظ دین (شریف قرشی، ۱۳۷۶: ۳۵) و خطر خوارج (ابن عربی، ۱۵۲/ ۳) صلح را پذیرفتند. در تحلیل پایداری امام حسین علیه السلام در عدم بیعت با یزید می‌نویسد: «حسین پس از قتل مسلم بن عقیل و ناامیدی از کمک کوفیان، باز هم تسلیم نشد بدان علت که فرزند پیامبر بود و خود را در امان می‌پنداشت» (بروکلمان، ۱۳۴۶: ۱۰۸). شیعه را متهم می‌سازد که پس از عاشورا، مرکز و مظهر تمایلات ضد عرب شدند (همان). به عبارتی دیگر، اقدامات شیعیان در خونخواهی امام حسین علیه السلام و حرکات ضد اموی را فعالیت‌های ضد عرب پنداشته است.

وارونه‌نمایی از وقایع مسلم تاریخی، یا به کار بردن تحلیل‌های نادرست، آن هم برای خدشه‌دار کردن وجهه مقدس پیامبر ﷺ و رد معصومیت ایشان، حکایت از تحریف حقیقت تاریخی سیره پیامبر ﷺ و اهل بیت ایشان دارد. با وجود اتقان در رسالت نبوی برای هدایت جامعه عرب جاهلی، باز هم هدف نهایی پیامبر ﷺ را سلطه نظامی بر عربستان ذکر می‌کند. اگر این تحلیل درست بود پیامبر ﷺ باید به فتح دیگر سرزمین‌ها می‌پرداخت. در حالی که در سیره نبوی، فتح و اشغال سرزمینی وجود ندارد و کشورگشایی از دوره خلیفه دوم آغاز شده بود.

### نتیجه

مستشرقان از نظر دیدگاه مذهبی به دو دسته تقسیم می‌شوند: گروهی بدون پرده پوشی، به صراحت ضدیت خود را با اسلام و سیره نبوی اعلام کرده‌اند چنان‌که عنوان آثارشان نیز گویای این مطلب است. برای نمونه می‌توان به کتاب *ردیه بر اسلام* اثر پی یرلوونرابل (۱۱۵۶-۱۰۹۲م)

اشاره کرد. گروهی نیز ضدیت با اسلام را در پوشش تحلیل‌های نادرست مطرح می‌کنند. این گروه پس از مشاهده شکست تلاش‌های گروه اول، تغییر روش داده‌اند. بروکلیمان در زمره گروه دوم جای دارد. البته در بروز ضدیت بروکلیمان، عواملی وجود دارد که منجر به آشکارسازی موضع‌گیری وی و نیز وجود نواقصی در گفتارش شده است. از جمله این عوامل می‌توان به استفاده از منابع اهل سنت، استفاده از اسرائیلیات در اثبات تقلید پیامبر ﷺ از اساطیر باستان و ادیان گذشته، حذف یا تغییر مغرضانه برخی از اعتقادات شیعی مانند واقعه غدیر و شرح حکم تحریم شراب، تحلیل‌های ناروا و نادرست درباره سیره نبوی، ترسیم تصویری خشن از اسلام، ارائه تصویر بی‌طرفانه و کم‌ارزش از جایگاه پیامبر ﷺ قبل و بعد از بعثت اشاره کرد. با دقت در گزارش‌ها و تحلیل‌های بروکلیمان در کتاب *تاریخ ملی و دول اسلامی*، نگاه ضد ارزشی و ضد اسلامی او آشکار می‌شود. بر این اساس او برای ضدیت با اسلام به تنزل جایگاه و اقدامات و سیره پیامبر ﷺ پرداخته است.

## منابع

- ابن اثیر، علی بن محمد (۱۳۸۵ق)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دارصادر.
- ابن اعثم کوفی، محمد بن علی (۱۴۱۱ق)، *الفتوح*، بیروت، دارالاضواء.
- ابن سعد (۱۴۱۰ق)، *طبقات الکبری*، تحقیق محمد عبد القادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله (۱۴۱۲ق)، *الاستیعاب فی معرفة الأصحاب*، بیروت، دارالجمیل.
- ابن عربی، محمد بن عبدالله (۱۴۰۸)، *احکام القرآن*، بیروت، دارالجمیل.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۰۷ق)، *البدایة و النهایة*، بیروت، دار الفکر.
- ابن قنفذ، احمد بن الخطیب (۱۴۰۴ق)، *وسیلة الاسلام بالنبی*، به کوشش المحامی، بیروت، دار الغرب الاسلامی.
- ابن هشام، عبد الملک (۱۳۷۵ق)، *السیرة النبویه*، تصحیح مصطفی السقا، ابراهیم الأبیاری و عبدالحفیظ شلبی، دارالوفاق، بیروت.
- ابوخلیل، شوقی (۱۴۰۸ق)، *کارل بروکلمان فی المیزان*، دمشق، دارالفکر.
- الازرقی (۱۴۱۵ق)، *اخبار مکة*، به کوشش رشدی الصالح، مکة، مكتبة الثقافة.
- بدوی، عبدالرحمان (۱۳۷۲ق)، *موسوعة المستشرقین*، بیروت، دارالملايين.
- بروکلمان، کارل (۱۳۴۶ش)، *تاریخ ملل و دول اسلامی*، ترجمه هادی جزایری، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۹۷ق)، *انساب الاشراف*، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- دینوری، ابوحنیفه احمد بن داوود (۱۳۹۵ش)، *اخبار الطوال*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، نشر نی.
- ذهبی، محمد بن احمد (۱۴۰۹ق)، *تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر و الأعلام*، بیروت، دار الکتب العربی.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۲۷ق)، *سیر اعلام النبلاء*، قاهره، دار الحدیث.
- شیخ صدوق، ابن بابویه محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، *من لایحضره الفقیه*، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۷ق)، *الامالی*، قم، نشر مؤسسه بعثت.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۵)، *علل الشرایع*، نجف، المكتبة الحیدریه.
- شیخ مفید (۱۴۱۳ق)، *الجمال*، قم، کنگره شیخ مفید.

- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۳)، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، تحقیق مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، قم.
- حمدان، عبدالحمید صالح (بی تا)، طبقات المستشرقین، دمشق، مکتبه مدبولی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۷ق)، اعلام الوری باعلام الهدی، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام دارالاحیاء التراث.
- طبری، احمد بن عبدالله (۱۳۵۶ق)، ذخائرالعقبی، قاهره، دارالکتاب المصریه.
- عقیقی، نجیب (۱۹۸۰م)، المستشرقون، قاهره، دارالمعارف.
- علامه امینی، عبدالحسین (۱۳۹۱ش)، الغدیر فی الکتاب والسنة والأدب، ترجمه گروه مترجمان، تهران، بعثت.
- قرشی، باقرشریف (۱۴۱۳)، حیاہ الامام حسن بن علی، بیروت، دارالبلاغه.
- محقق، مهدی (۱۳۹۳ش)، «بروکلمان»، دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران، بنیاد دائرةالمعارف اسلامی.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، بحارالانوارالجامعه لدرراخبارالائمہ الاطهار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مُتَّجِد، صلاح الدین (۱۹۵۵م)، المنتقى من دراسات المستشرقین، بیروت، دارالکتاب الجدید.